

خود فروختگان را وسیعاً افشا کنیم

اخیراً واداده‌ای با موضع شدید ضد کمونیستی به نام باقر مرتضوی و خود فروخته حقیری به نام عباس میلانی در کالیفرنیا یک جلسه ضد کمونیستی برگزار کردند. وظیفه این جلسه لجن مال کردن کل جنبش کمونیستی و به ویژه **حزب رنجبران ایران** است، حزبی که قدیمی‌ترین بخش جنبش کمونیستی ایران و جزو خود انتقادی‌ترین این جنبش است. در جنبش کمونیستی یک مبارزه حاد طبقاتی بین شیوه تفکر پرولتری و خرده بورژوازی در جریان است. این مبارزه طبقاتی موتور حرکت جنبش کمونیستی است. هر چه این مبارزه قاطعانه‌تر و علمی‌تر جلو رود، نجات بشریت از ساختار خون آلود سرمایه‌داری زودتر تحقق می‌یابد. همه کمونیست‌ها به این مبارزه خیر مقدم می‌گویند. اما هر گاه بخشی از جنبش کمونیستی مورد حمله و یا تحریف واداده حقیری مثل مرتضوی و یا خود فروخته‌ای مثل میلانی قرار گیرد همه جنبش کمونیستی موظف به دفاع قاطع و بی چون و چرا از این بخش لایتنج‌زای خود است. باقر مرتضوی که خود اقرار می‌کند از کمونیسم جدا شده و سوسیال دموکرات گردیده است، (مأخذ: سخنرانی مرتضوی در موسسه هوور دانشگاه استنفورد شمال کالیفرنیا) همراه کسی که در درون زندان‌های رژیم پهلوی از کمونیسم برید، به عامل ایدئولوژیک - سیاسی ساواک تبدیل شد و سپس با عزیمت به آمریکا خود را به "پایگاه نوکانه‌ها در انستیتیوی هوور در استنفورد" (مأخذ: ناصر زرافشان) فروخت و به عامل دست چنم و تحقیر شده یکی از خونخوارترین نیروهای امپریالیستی در سطح جهان تبدیل شد، جلسه‌ای علیه جنبش کمونیستی برگزار کرده‌اند که برگ سیاهی بر برگ‌های سیاه شناسنامه خود افزوده‌اند. ما نقد حزب رنجبران ایران را بر این نشست و دو عنصر مرتجع بازنشر می‌دهیم تا چهره این دو منشان مخرب گسترده‌تر افشا گردد.

عباس میلانی آنقدر در وابستگی فرو رفته است که راه نجاتی ندارد ولی باقر مرتضوی که تا پیشانی فرو رفته است می‌تواند در پیشگاه پرولتاریای ایران و مردم ستم دیده، با انتقادی همه جانبه و صادقانه از خود، زندگی سیاسی اش را نجات دهد. آیا چنین خواهد شد؟؟؟

نظم کمونیستی

۱۴ اکتبر ۲۰۲۳

در زیر نوشته حزب رنجبران (رتجبر ۲۰۲۰) را در مورد این خانین می‌آوریم

مورد حمله دشمن قرار گرفتن بد نیست

ما سال‌هاست که در مسیر سخت، بغرنج و طولانی مبارزه طبقاتی، وفادار به شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" همراه با دیگر نیروهای چپ و کمونیستی به سازماندهی در خدمت رهایی مردم ایران از ستم و استثمار شدید و مضاعف تلاش می‌کنیم. در این مسیر طولانی دشمنان ما در دو رژیم سرکوبگر سلطنتی و ولایت فقیه به شدیدترین وجهی ما را مورد حمله قرار داده و برای نابودی ما و درهم شکستن مقاومت ما بهر وسیله دست یازیده‌اند. از زندان، شکنجه و اعدام گرفته تا تلاش برای رخنه کردن در درون تشکیلات، ایجاد هرج و مرج و اغتشاش درونی، تهدید و تبلیغات دروغین و لجن پراکنی. ما در این مسیر در عمل، به شدت تضاد طبقاتی میان صف ستم‌دیدگان و استثمارشدگان و صف سرمایه داری و امپریالیسم بیشتر آگاهی یافتیم و با حمله دشمنان به ما، توده‌ها دریا فتند که حزب ما با دشمنان طبقاتی خود در این سال‌ها مرزبندی درستی داشته است.

اخیراً در موسسه هوور دانشگاه استنفورد شمال کالیفرنیا دو تن از اعضای سابق سازمان انقلابی حزب توده؛ آقای عباس میلانی و باقر مرتضوی در نشستی که ظاهراً مراسمی است برای واگذاری اسناد حزب رنجبران ایران به این موسسه، آقای باقر مرتضوی به شیوه‌ای لومپنی، ما را مورد حمله قرار داده است و آقای عباس میلانی در نقش مدیریت نشست در این مضحکه ضد کمونیستی با تائید لجن پراکنی‌های سخنران، چهره واقعی خود را بار دیگر به نمایش گذارده است. بگذارید در آغاز عباس ملک زاده میلانی را توسط دکتر ناصر زرافشان به خوانندگان معرفی کنیم او چنین می‌نویسد: " در تابستان سال ۱۳۵۵ گروه پرویز واعظ زاده (کادرهای سازمان انقلابی حزب توده) بوسیله فرد خود فروخته ای بنام سیروس ناهوندی لو رفت و واعظ زاده و یاران او (خسرو صفائی، گرسیوز برومند، معصومه طوافچیان، مهوش جاسمی و ...) یا در جریان یورش ساواک به خانه‌های آنها و ضمن درگیری، یا پس از دستگیری در شکنجه گاه‌های ساواک به شهادت رسیدند ... برخی از این دستگیر شدگان در زندان بریدند و به همکاری با رژیم تن در دادند. عباس میلانی از آن

جمله بود. او با ابراز ندامت و نوشتن تنفرنامه‌ای که در مطبوعات سال ۵۶ نیز درج شد، همانسال از زندان آزاد شد..... البته میلانی چون در سالهای ۵۵ و ۵۶ پیش بینی سرنگونی رژیم پهلوی را در آینده نزدیک نمی‌کرد، در این معامله مغبون شد و اگر میدانست چند صباحی دیگر مثل دیگران از زندان آزاد می‌شود، این باج را به رضا عطارپور (سربازجوی ساواک معروف به حسین زاده) نمیداد... او تصمیم گرفته بود خیانت به آرمانهای سوسیالیستی و ضدیت با مارکسیسم را به پول نقد تبدیل کند و به این ترتیب خود را به عنوان یک "روشنفکر" ضد مارکسیست و ضد چپ، در معرض فروش قرار داد و برای قرب به قدرت تلاش بسیار کرد. آمریکائی‌ها او را مناسب تشخیص دادند و به عنوان یکی از مدیران "پروژه دموکراسی ایران" منصوب و به گروهی از عوامل ایرانی و آمریکائی ملحق شد که مستقیماً در این زمینه کار می‌کنند و پایگاه نئوکمانا در انستیتوی هورور در استانفورد را در اختیار او قرار دادند. این انستیتوی هورور یکی از بازمانده‌های دوره تبلیغات هیستریک ضد کمونیستی است که در دوران جنگ سرد برای مبارزه با کمونیسم بوجود آمده و اکنون برای "دفاع از دموکراسی" کار می‌کند. " نقل از مقاله دکتر ناصر زرافشان بیستم اوت ۲۰۰۷

از آن زمان تا کنون آقای میلانی همچنان در خدمت موسسه هورور، خط ضد کمونیستی خود را علیه چپ ایران با امکانات بیشتر ادامه داده است. جلسه اخیر استفاده از باقر مرتضوی به عنوان ستاره جدیدش بر همان منوال است. پرسش این است که چرا موسسه هورور و آقای عباس میلانی با توجه به حضور در جلسه‌ای که توسط فرامرز پاکزاد در زوم فراخوانده شده بود و او از اظهاریه مسئولین حزب رنجبران مبنی بر سرقت صندوق مهر و موم شده سازمان انقلابی توسط باقر مرتضوی آگاه بود (زیرا برای اولین بار رفقای حزب رنجبران این موضوع را بخاطر جلوگیری از سوء استفاده بیشتر از این اسناد توسط باقر مرتضوی و همدست دیگرش که با سفارت ایران در رُم زد و بند داشت، آنرا فاش کردند)، چنین جلسه‌ای را ترتیب داده است؟ چرا آنقدر دشمنی و تخریب؟

برای ما دشمنی رژیم جمهوری اسلامی قابل فهم است چون از سال ۵۹ با تصحیح خط مشی سیاسی "برخورد دوگانه به رژیم جمهوری اسلامی" با تمام امکانات کمی که حزب رنجبران داشت - آگاه به عدم توازن قوا میان خود و دشمن، بنا بر وظیفه انقلابی خود در مقابل دشمن جنایتکار دست به مبارزه مسلحانه در فارس، گرگان و کردستان زد.

مبارزه‌ای که توانست در میان توده‌های قیام‌کننده قشقایی و قاطبه ایل قشقایی تأثیر مثبت بگذارد. آزمایشی بود برای رزمندگان حزب رنجبران، جمعی که در برگیرنده ترکیبی از حزب یکی شده بود و معلوم می‌کرد که یکی شدن این ۹ گروه در عمل انسجام یافته است. در عین حال نشان داد چگونه کمونیست‌ها در هنگام حمله و شیبخون‌قوای بر تری از سپاه پاسداران با روحیه عالی می‌جنگند و محاصره آنها را با کشتن و زخمی کردن بیش از صد و پنجاه نفر از آنها بدون از دست دادن حتا یک نفر می‌شکنند و همگی جان سالم بدر می‌برند.

شرکت مستقل حزب ما با پرچم روشن کمونیستی در قیام ایل قشقایی به رهبری خسرو قشقایی از اعضای رهبری جبهه ملی ایران، سخنگوی کمیسیون ملی کردن صنعت نفت در مجلس شورای ملی و یار نزدیک دکتر مصدق نشان داد تصمیم به اتفاق آراء کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران در اتخاذ سیاست مقاومت مسلحانه در برابر رژیم جمهوری اسلامی کاملاً درست و بر حق بوده است. همینطور است تدارک مقاومت مسلحانه ما در شمال. رفیق منصور قاضی عضو دفتر سیاسی و مسئول تشکیلات گرگان و مازندران حزب که در جریان مبارزات توده‌ای یکسال قبل بهمین ۵۷ شرکت داشت و در کسب قدرت سیاسی در بهمین ۵۷ در کمیته‌های تشکیل شده انقلاب شخصیتی شناخته شده بود، یکی از رهبران جوان حزب بود که نقش مهمی در اصلاح خط مشی سیاسی انحرافی حزب داشت و پس از تشکیل کمیسیون نظامی پیشنهاد مقاومت مسلحانه در شمال را به کمیسیون داد و مورد قبول قرار گرفت. منطق او مقاومت در برابر تعرض جنایتکارانه رژیم جمهوری و رد نظریه فرار طلبی کسانی مثل باقر مرتضوی بود که به خارج فرار کردند و امروز بی‌شرمانه در این نشست هورور رهبری حزب را زیر سوال برده که در این مبارزات مسلحانه شرکت نکرده بودند.

واقعیت اینست که در هر سه مبارزه مسلحانه حزب اعضای دفتر حزب و در عین حال مسئول منطقه مستقیم شرکت داشتند و در کردستان علاوه بر رفقای دفتر سیاسی دونفر از رفقای کمیته دائم حزب، مسلح چون پیشمرگه ساده شرکت داشتند. فرمانده نظامی حزب در تدارک مسلحانه در شمال پس از دیدن ویدئو تازه تهیه شده توسط رژیم که در کانال پنجم پخش سراسری داشته ضمن رد کلیه گفته‌های دروغین باقر مرتضوی در باره جمع آنها یاد آوری می‌کند که در برابر حمله چند جانبه سپاه پاسداران آنها توانستند با کمک چوپان محلی بدون دادن کشته جز یک زخمی عقب نشینی کنند.

دشمنی کیانوری و فرخ نگهدار هم برای ما روشن است چون سازمان انقلابی موضع روشن ضد دارودسته رهبری حزب کمونیست شوروی را در دوران تغییر ماهیت دادن حزب تحت رهبری خروشچف اتخاذ کرده بود و آنها عوامل مستقیم دارودسته رویونیستهای خروشچفی بودند. و به این دنباله روی افتخار میکردند.

اما دشمنی دکتر عباس میلانی و باقر مرتضوی این اعضای واداده سازمان انقلابی از کجا آب می‌خورد و چرا؟ چرا آنها که سال‌هاست از جنبش کارگری و کمونیستی ایران بریده‌اند در فکر جمع آوری اسناد آن هستند؟ پشت پرده نشست موسسه هورور چه می‌گذرد؟ واگذاری اسناد چرا باید با لجن پراکنی و تهمت زنی به حزب رنجبران ایران و کل جنبش کارگری و

کمونیستی همراه باشد؟ آیا می‌توان به ادعای آنها باور کرد که آنها «مصلحان بی طرفی» اند که برای «ثبات در تاریخ» چنین جلسه‌ای را برگزار کرده اند؟

بگذارید با اشاره‌های گذرا به روند شکل‌گیری رشد و تکامل این گرایش چپ و کمونیستی ایران که همچنان استوار خود را جزوی جدا از طبقه کارگر ندانسته و برای پیروزی پرولتاریا و سوسیالیسم مبارزه می‌کند، پاسخی را به این پرسش جستجو کنیم:

شصت سال پیش در میان اعضای خارج کشور حزب توده ایران گرایشی انتقادی علیه رهبری خارج نشین حزب شکل گرفت و با نقد ایجاد یک حزب رفرمیستی بجای ادامه سنت انقلابی حزب کمونیست ایران پس از شهریور بیست و بی عملی رهبری در برابر کودتای ۲۸ مرداد، بنا بر اعتراف کیانوری بیش از ۹۰ درصد کادرها و اعضای حزب توده ایران در خارج کشور در سازمان انقلابی متشکل شدند.

* آنها کادرها و اعضای بودند با یک دهه مبارزه و مقاومت در زندان و بیرون زندان که از سرکوب کودتاگران سلطنتی جان سالم بدر برده بودند و با جمع‌بندی از پراتیک چند ساله حزب توده برای ایجاد حزبی انقلابی و پرولتاریایی در داخل کشور خود را سازمان دادند.

* آنها در همان گام‌های اولیه با نقد روش هژمونی طلبانه رهبری حزب توده در جنبش‌های توده‌ای و تاکید روی کار مشترک و دموکراتیک توانستند در ایجاد کنفرانس‌های جهانی دانشجویان و محصلین - یکی از سازمان‌های نمونه دموکراتیک و توده‌ای در ایران معاصر - نقش موثری ایفا کنند و به جلب نیروی جوان با هدف گسیل آنها به داخل بپردازند. و از این طریق در روند گسترش فعالیت‌های سازمانی خود در ایران و مناطق خاورمیانه بویژه کردستان عراق، در میان کارگران مهاجر در کویت، دبی و شارجه سازماندهی کنند و ضمن نوسازی کادرهای خود، کارگران را به صفوف سازمان انقلابی جلب نمایند.

* آنها پس از نزدیک به دو دهه مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم شاه و مبارزه بی‌امان ایدئولوژیک علیه رویزیونیسم مدرن که در راس آن رهبری حزب کمونیست شوروی قرار داشت توانستند ۹ تشکل و گروه کمونیستی را براساس اصول و برنامه سیاسی مشترک متحد کرده و حزب رنجبران را در ایران بنیاد گذارند که یکی دیگر از دستاوردهای نادر تاریخی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران محسوب می‌شود.

* آنها پای در عمل با هدف رفتن به ایران و پیوند با ستم‌دیدگان، کارگران و زحمتکشان این نیروی لایزال انقلابی، سختی و بغرنجی انقلاب کردن را آموختند. روند عقب‌نشینی و پیشروی را نسل اندر نسل تجربه کردند و با تلفیق اصول کمونیسم به شرایط مشخص جامعه ایران به شناخت خود قدم به قدم افزودند و هر بار و هر زمان که از لحاظ جهانی و خط‌مشی سیاسی دچار لغزش شدند با شیوه اصولی برخورد انتقادی و شناخت عمیق علل اشتباه، به نوسازی خود پرداختند. در برابر سختی‌ها با اتکا به نیروی خود ایستادند و خون‌های ریخته شده رفقا را شستند، غم از دست رفتن آنها را به نیرو تبدیل کردند و به راه آنها برای انقلاب کردن، برای پیروزی طبقه کارگر و نجات مردم ایران از ظلم و ستم ادامه دادند

شیوه صحیح آموزش، تحقیق و بررسی

در اوایل دهه چهل یعنی شصت سال پیش جمعی از پایه‌گذاران سازمان انقلابی اولین گام عملی را در سازماندهی در داخل و بالا بردن شناخت خود از اوضاع تغییر یافته پس از اصلاحات ارضی در جامعه ایران برداشتند. نتیجه تحقیق و بررسی میدانی گروه در داخل بازتابی پر رنگ در بیانیه اولین کنفرانس سازمان انقلابی که در تیرانا پایتخت آلبانی تشکیل شد، داشت. در آن زمان هنوز آقای باقر مرتضوی حتا به خارج پا نگذاشته بود. و همانطور که خود اقرار می‌کند بعدا هم چون محقق نیست به اسناد دادگاه نظامی که علنی منتشر شده است رجوع نکرده که پی‌ببرد پرویز نیکخواه در دفاع از جمع که آقای ثابتی اتهام تروریستی به آنها زده بود چه می‌گوید. آنها در این دفاعیه با رد اتهامات ساواک تاکید کردند که ما ضمن پخش آثار کلاسیک کمونیستی بطور متمرکز در سراسر ایران به کار تحقیق و بررسی مشغول بودیم و از آن زمان به بعد طبق رهنمود آنها شعار "بدون تحقیق و بررسی حق حرف زدن نیست" به سبک کار اساسی سازمان تبدیل شد. پس از آن سازمان توانست چندین گروه را به داخل گسیل دارد و ضمن پیشبرد امر سازماندهی، همچنان کار تحقیق و بررسی را در باره جامعه ایران دنبال نماید. نتیجه آن ارزیابی درست و با اتکا به نیروی خود بود که سازمان توانست از نظریه نیمه مستعمره - نیمه فئودالی عبور کند که به صورت گزارشی از شرایط مشخص جامعه ایران در توده شمار ۲۴ ارگان سیاسی سازمان انقلابی انتشار یافت... علاوه بر این در خارج کشور هم برای کمک به رفقای داخل، کارگروه تحقیق و بررسی در این زمینه تشکیل شد که از جمله یکی از اعضای آن آقای عباس میلانی به مسئولیت رفیق فرامرز وزیر بود که او در اوایل دهه شصت در ایران دستگیر و به جوخه اعدام توسط نظام جنایتکار جمهوری اسلامی سپرده شد.

اشاره به نکات بالا برای نشان دادن واقعیات عملکرد تشکل ماست که توسط باقر مرتضوی در به اصطلاح سخنرانی‌اش نفی می‌شود. در تمام دوران سازماندهی قبل از انقلاب در ایران اکثر رفقای ما بطور مستقیم در محیط کار با توده‌ها در تماس بودند از جمله آقای عباس میلانی و کادرهای برجسته رهبری سازمان انقلابی پرویز واعظ زاده، دکتر طوافچیان و وفا جاسمی .. آنوقت آقای باقر مرتضوی در این جلسه آنها را بی‌شرمانه تحقیر می‌کند و نادانی خود را آنهم بسیار غلو آمیز و ریاکارانه از وضع ایران به پای آنها می‌گذارد.

اما در این مسیر سخت، بغرنج و طولانی رفقای بودند که نیمه راه خسته می‌شدند و صفوف تشکیلات را ترک کردند: * بعضی‌ها با طولانی شدن مبارزه در دوران فروکش جنبش کارگری و توده‌ای، با گذراندن زمان طولانی در زندان، رفیقانه کنار کشیده‌اند؛ آنها دوستان خوب حزب ما هستند و هیچگاه خدمات دوران سخت مبارزه را با آنها فراموش نمی‌کنیم..

** بعضی‌ها در زمینه خط مشی و سیاست‌ها از ما جدا شدند و به احزاب و سازمان‌های دیگر کمونیستی پیوسته‌اند و حزب ما سیاست دوستی با آنها را در پیش گرفته و همچنان رفقای ما با آنها روابط دوستانه ای دارند. اما چند نفری هم به تمام آرمان‌های انقلابی خود و حزب ما پشت کرده، از لحاظ ایدئولوژیک پیرو اندیشه‌های خرده بورژوازی شده و به طبقه سرمایه‌داری و امپریالیسم خدمت می‌کنند. از جمله چند نفری هم فعالانه به صفوف دشمنان طبقاتی پیوسته، اطلاعات درون سازمانی را به دشمنان رد کرده و برای توجیه وادادگی و فعالیت‌های ضد کمونیستی خود شیوه لجن پراکنی را نسبت به ما در پیش گرفته‌اند از میان این نوع افراد می‌توان از سیروس نهبانندی، نام برد که باعث از دست دادن چند رفیق رهبری سازمان انقلابی در سال ۱۳۵۵ شد.

اما بعضی‌ها چون آقای دکتر عباس میلانی و باقر مرتضوی از نوع دیگری‌اند؛ در پی نام و نشانند و از اینرو وارد جبهه ایدئولوژیکی علیه کمونیسم علمی شده و در این راستا به نفی مبارزات حزب رنجبران پرداخته‌اند. یکی به جمع آوری اطلاعات در باره ایران در خدمت دولت جنایتکار آمریکا مشغول است و دیگری به اصطلاح ناشر و صاحب چاپخانه که خود را به دروغ در جایی سوسیالیست و در این جلسه سوسیال - دموکرات معرفی می‌کند. آنها نه تنها خسته نشده‌اند بلکه فعال‌اند و هر روز در رسانه‌ها مشغولند... عباس میلانی با سر سپردگی به نظام سلطنتی از آن زمان تا کنون با استفاده از عناصر واداده در ضدیت با جنبش چپ و کمونیستی در بست خود را در خدمت دولت پنهان امپراطوری آمریکا قرار داده است. اما جوهر کینه توزی باقر مرتضوی نیز هیچ نیست مگر پشت کردن به آرمان‌های ترقی خواهانه و کمونیستی.

ذکر نام این دونفر با هم بدین دلیل است که اخیرا در موسسه هوور در دانشگاه استنفورد کالیفرنیا که آقای عباس میلانی کارگردان این سازمان ساخته و پرداخته سازمان جاسوسی ایالات متحد آمریکا است نشستی را علیه سازمان انقلابی حزب توده ایران و حزب رنجبران ایران ترتیب داده و ضبط آنرا هم در رسانه‌های عمومی پخش کرده‌اند. آنها در این جلسه به مدیریت آقای عباس میلانی خط مشی عمومی دستگاه امنیت ایران را که در این ۴۴ سال دنبال کرده است، در پیش گرفته‌اند و آنهم اینست که حزب رنجبران ایران و بویژه کادرهای رهبری آن افرادی نادان، نالایق بودند و تشکیلات آن فرو پاشیده است. رجوع کنید به کتاب مائوئیسم در ایران که با جمله زیر پایان می‌یابد "از حزب رنجبران داستانی بیش باقی نماند. تو گویی که این حزب هرگز نبود" این بار عباس میلانی مهره ضعیف‌تری از اعضای سوسیال دموکرات شده حزب رنجبران را گیر آورده تا در شو تلوویزیونی دیگری در موسسه هوور به لجن پراکنی علیه جنبش کارگری و کمونیستی بطور اعم و حزب رنجبران بطور اخص بپردازد. همان محتوایی که خود نزدیک به نیم قرن پیش در شو وادادگی خود نشان داد. هرچقدر شو عباس میلانی در آن سال‌ها بینندگان را به گریه انداخت این شو عباس میلانی همراه باقر مرتضوی بینندگان را به خنده واداد. باقر مرتضوی با انتشار نامه‌های خصوصی اعضای حزب ما که هیچگاه نویسندگان آن هدف انتشار علنی آنها را نداشتند، در کتابی با عنوان "از وحدت تا فروپاشی" مدعی می‌شود که حزب رنجبران ایران از هم فرو پاشیده و نامه‌ها را به موسسه هوور به شکرانه سر آقای عباس میلانی تقدیم می‌کند. خیانتی فاحش به مواضع ضد امپریالیستی نویسندگان که با تمام اختلاف نظراتی که در نامه‌ها موجود است بر سر جنایت امپریالیسم آمریکا در حق مردم ایران وحدت و یکپارچگی موجود بوده است.

باقر مرتضوی برای توجیه فرار طلبی خود رو به حضار می‌گوید مثل شماها راه خارج را در پیش گرفتم و در جای دیگر اعضای دفتر سیاسی را نه تنها با اشاره به یک نامه فاسد می‌خواند بلکه مدعی می‌شود رهبری اعضای حزب را رها کردند و آنها را تنها گذاشتند. کافی است به لیست دستگیرشدگان و جانباختگان حزب رجوع کنید که دوروغویی این مرتد ضد کمونیست تا بوی گند وادگی و سر سپردگی به موسسه هوور را، استشمام کنید.

خط عمومی جلسه موسسه هوور که آقای

عباس میلانی هدایت کننده آنست توجیه وادادگی خود در سال ۱۳۵۵ و خیانت به سازمان انقلابی و رفقای مسئولش دکترشکوه طوافچیان و وفاجاسمی است که زیر شکنجه به دستور ثابتی جان باختند. او به دستور ساواک به مصاحبه تلویزیونی تن می‌دهد و یکشنبه به یک مهره تازه نفس ضد کمونیست دو آتشه تبدیل می‌شود و با نفی فعالیت‌های سازمان انقلابی خلاصی خود را از زندان و اعدام می‌خرد. از آن زمان تا بحال نزدیک به نیم قرن می‌گذرد و او همچون دیگر وادادگان بر مسیر همان سرازیری تا آخر سقوط کرده است و امروز به متفکر و مشاور دستگاه‌های پوششی سیا در آمریکا و ضد ایران و مردم ایران تبدیل شده است. او در موسسه هوور و با مدیریت خود و تائید ترهات باقر مرتضوی ماهیت محقق جیره خوار آمریکایی به اصطلاح دموکرات را آشکار می‌کند. آقای مرتضوی طی سخنرانی خود با لودگی و مسخره بازی، خنده و هر به لجن پراکنی نسبت به اعضای سازمان انقلابی و حزب رنجبران می‌پردازد. اعضای که اکثر کادرهای رهبری آن بدست جلادان دو رژیم جنایتکار شاهنشاهی و ولایت فقیه کشته شدند. و آقای مرتضوی وقتی که هنوز شرف انقلابی خود را حفظ کرده بود در کتابی از آنها نام برده است. بگذارید در پایان بعنوان ادامه دهندگان راه آنها، یادشان را گرامی بداریم: خسرو صفائی، پرویز واعظ زاده، شکوه طوافچیان، وفا جاسمی، منوچهر چهرازی عضو هیأت اجرائیه سازمان انقلابی فرامرز وزیری عباس تمرچی، عباس صابری، عباس برخوردار، منصور قاضی، محمود بزرگمهر، هوشنگ امیرپور و عطا کشکولی. اینها همه کادرهای آگاه و مدبر، نویسنده و سازمانده طی سال‌های طولانی زیر دیکتاتوری محمد رضا شاه و آیت الله خمینی، اکثرا اعضای دفتر سیاسی حزب رنجبران بودند؛ انسان‌های از خود گذشته که با شور و شوق برای مدت طولانی در جنبش خارج کشور و سپس در راه آرمان‌های طبقه کارگر و سوسیالیسم در داخل فداکاری کردند. بعضی از آنها دبیران کنفدراسیون و فدراسیون‌های دانشجویی بودند.

آقای عباس میلانی «محقق بی طرف» در پایان در ستایش از عملکرد سخنران آرزو می‌کند ده‌ها باقر دیگر از سازمان‌های چپ سر بلند کنند و اسناد داخلی شان را در اختیار موسسه هوور بگذارند.

ما همکاری باقر مرتضوی را با سپردن نامه‌های رفقای جانباخته حزب خود به موسسه هوور محکوم می‌کنیم و از او می‌خواهیم کلیه اسنادی را که از خانه رم در صندوق مهر و موم شده متعلق به مسئول آن زمان سازمان انقلابی، به حزب رنجبران ایران بازگرداند.

حزب رنجبران ایران ضمن رد تهمت و تخریب‌های بی‌شمرانه باقر مرتضوی به رفقای حزبی ما، از گردانندگان موسسه هوور طلب می‌کنیم کلیه نامه‌های خصوصی رفقای ما را که بدون اجازه حزب رنجبران ایران در اختیار دارند فوراً و بدون هرگونه کپی برداری به حزب برگردانند.

- مهرماه ۱۴۰۲

- حزب رنجبران ایران